



«دعاشناسی» به مثابه یک علم

محمد حسین رفیعی^۱

چکیده :

در مجموعه آموزه‌ها و معارف دین مبین اسلام، موضوع دعا، مناجات و زیارات که در واقع بخشی از مجموعه احادیث و متون روایی هستند، کمتر به مثابه یک موضوع علمی قابل توسعه و تولید و موضوع قابل فهم و بررسی مورد توجه قرار گرفته است. این در حالیست که قرآن کریم و حدیث به معنای عام خود در طول قرون متمادی چه در حوزه علوم و مسایل مرتبط با آنها و چه در حوزه معارف و مفاهیم، مورد توجه جدی بوده و رشته‌ها و شاخه‌های علمی متعددی برای فهم و بررسی بیرونی و درونی قرآن و حدیث شکل گرفته‌اند. در این نوشتار سعی می‌شود با اشاره به برخی مقدمات و کلیات مرتبط با موضوع «دعا»، فرصت‌ها و ظرفیت‌های فراروی موضوعات مرتبط با ادعیه و مزار و نیز آسیب‌های نپرداختن به مقوله دعا به مثابه یک علم را مورد توجه و بررسی قرار داده و با مدد از این مباحث، ضرورت ایجاد رشته علمی «دعاشناسی» را تبیین نماید.

واژگان کلیدی: دعاشناسی، علم، ادعیه، مزار، رشته تحصیلی



مفهوم شناسی «دعا»:

دعا بمعنی خواندن، حاجت خواستن و استمداد است و گاهی مطلق خواندن از آن منظور است^۱ مشتقات ماده «دعو» در قرآن بسیار زیاد است. همچنین موارد استعمال کلمه دعا و مشتقات آن در قرآن کریم و روایات اسلامی متنوع و فراوان است به گونه‌ای که به ظاهر معانی متفاوت و متعددی از آن تداعی می‌شود.

برای نمونه به موارد استعمال ماده «دعو» در موارد زیر توجه کنید:

وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ [۱۸۶ / ۲]

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ [۶۲ / ۲۷]

فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِن شَاءَ [۴۱ / ۶]

قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ - الْآيَةَ [۱۱۰ / ۱۷]

وَ ادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ [۲۳ / ۲]

وَ إِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جَمَلِهَا لَا يُحْمَلُ مِنْهُ شَيْءٌ [۱۸ / ۳۵]

كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعُقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دَعَاءً وَ نِدَاءً [۱۷۱ / ۲]

لَا تَجْعَلُوا دَعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدَعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا [۶۳ / ۲۴]

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ [۶۸ / ۲]

وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ [۲۵ / ۱۰]

در موارد فوق «دعا» به معانی خواندن، حاجت خواستن، استمداد، صدا کردن (نامگذاری) و دعوت کردن آمده. اما اگر بخواهیم از سرجمع موارد استعمال ماده «دعو» در قرآن کریم یک معنای مرکزی و محوری برای این واژه تدارک ببینیم همان است که تقریباً همه اصحاب لغت به آن اشاره کرده‌اند یعنی معنای «خواستن و صدازدن»^۲

۱. قاموس قرآن، ج ۲، ص: ۳۴۴

۲. در تفاوت معنای دعا و ندا می‌نویسد: «الدُّعَاءُ كالتَّوَدُّعِ، إِلَّا أَنَّ التَّدَاءَ قَدْ يُقَالُ بِيَا، أَوْ أَيْ، وَ نَحْوَ ذَلِكَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُضْمَرَ إِلَيْهِ الْأَسْمَاءُ، وَ الدُّعَاءُ لَا يَكَادُ يُقَالُ إِلَّا إِذَا كَانَ مَعَ الْأَسْمَاءِ، نَحْوُ: يَا فُلَانًا، وَ قَدْ يَسْتَعْمَلُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهَا مَوْضِعَ الْآخَرِ» (المفردات فی غریب القرآن، ص: ۳۱۵) همچنین مرحوم علامه طباطبایی (رضوان الله علیه) معتقد است:

« کلمه "دعا" و نیز کلمه "دعوت" به معنای معطوف کردن توجه و نظر شخص دعوت شده است به سوی چیزی که آن شخص دعوت شده و این کلمه معنایی عمومی‌تر از کلمه "نداء" دارد، برای اینکه نداء مختص به باب لفظ و صوت است، ولی دعاء، هم شامل دعوت کردن بوسیله لفظ می‌شود و هم شامل آنجایی که کسی را با اشاره و یا نامه دعوت کنند، علاوه بر این، لفظ نداء مخصوص آنجایی است که طرف را با صدای بلند صدا بزنی، ولی لفظ دعاء این قید را ندارد، چه با صدای بلند او را بخوانی و چه بیخ گوشی و آهسته دعوتش کنی، هر دو جورش دعوت است» (ترجمه المیزان، ج ۶، ص: ۴۰۵)

۳. به عنوان نمونه ر. ک مفردات الفاظ القرآن، ص: ۳۱۵ و نیز قاموس قرآن، ج ۲، ص: ۳۴۴

نگاهی به پیشینه دعاشناسی:

قدمت طرح بحث دعاشناسی و مواجهه با ادعیه و مزار به عنوان یک علم به دوران متاخر تلاش‌های حدیثی شیعه برمی‌گردد. (حد فاصل دوره شیخ طوسی تا دوران صفویه و بعد از آن که جوامع روایی ثانویه شکل گرفتند) گرچه در جوامع اولیه روایی شیعه نیز به موضوع دعا به صورت پراکنده پرداخته شد از جمله در کتاب کافی باب مستقلی در «فضل دعا» تدوین گردید؛ اما بیشترین آثار مستقل ادعیه و مزار در دوران متاخر بویژه در قرون هفتم تا دهم تدوین گردید. در این دوران برخی از علمای برجسته شیعی مانند سیدبن طاوس، شهید اول، ابن فهد حلی و کفعمی آثار ارزشمندی در حوزه ادعیه و مزار تدوین نموده‌اند. البته بر اساس مشرب حدیث‌نگاری این دوره، بیشتر هم مولفان به جمع‌آوری متون ادعیه و مزار بوده تا پرداختن به موضوعات پیرامونی یا محتوایی ادعیه و مزار و کمتر کتابی می‌توان یافت که مانند «عدّة الداعی و نجاح السّاعی» اثر مرحوم ابن فهد حلی به موضوعات و مسایل پیرامونی دعا و مناجات پردازد.

برخی از تالیفات این دوره عبارتند از:

- ۱- «العددالقویه لدفع المخاوف البومیه» تالیف یوسف بن مطهر حلی (علامه حلی)
- ۲- «المزار» تالیف زین الدین محمدبن مکی (شهید اول)
- ۳- «عدّة الداعی و نجاح السّاعی» تالیف احمدبن محمدبن فهد حلی
- ۴- «البلدالامین والدرع الحصین» تالیف مرحوم کفعمی
- ۵- «المقام الاسنی فی تفسیر الاسماء الحسنی» تالیف مرحوم کفعمی
- ۶- «جَنَّةُ الْاِمان الْواقیه و جَنَّةُ الْاِیمان الْباقیه» معروف به «مصباح کفعمی» اثر مرحوم کفعمی^۲
- ۷- «مفاتیح الجنان» اثر مرحوم شیخ عباس قمی

البته ناگفته نماند که در دوران معاصر مجموعه متونی پیرامون شرح و تفسیر برخی ادعیه و زیارات و همچنین برخی منابع در حوزه علوم مرتبط با دعا تدوین شده که

۱. مرحوم کلینی در کتاب ارزشمند اصول کافی کتاب مستقلی به نام دعا در ابواب متعددی تدوین نموده است. در این کتاب بسیاری از ادعیه ماثور از ائمه علیهم‌السلام در موضوعات مختلف با سند معتبر نقل شده است.
۲. مجید معارف، تاریخ عمومی حدیث، انتشارات کویر، تهران، ۱۳۸۷، ص ۳۸۵



می‌تواند تمهیدیه مناسبی برای شکل-گیری دوران تازه‌ای در تولید علم در حوزه ادعیه و مزار باشد.

«دعاشناسی» یک ضرورت:

منظور از اصطلاح «دعاشناسی»^۱ در این نوشتار، شاخه‌ای علمی است که به مباحث پیرامونی دعا، مناجات و مزار می‌پردازد. نسبت این علم به مفاهیم و مضامین ادعیه و مزار مانند نسبت علوم قرآن به تفسیر است. در دعاشناسی گرچه به تناسب برای تقویت شناخت مخاطبان از مضامین دعاها در حد چند واحد درسی به تفسیر و محتوای ادعیه پرداخته می‌شود اما عمده موضوعات و مباحث دعاشناسی به مباحث خارجی و پیرامونی ادعیه و مزار می‌پردازد و مسایل و مشکلات و فرصت‌های مرتبط با موضوع دعا را بررسی می‌نماید. اهداف کلی از ایجاد این رشته را می‌توان اجمالاً در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. تولید دانش پیرامون مسایل مرتبط با دعا و زیارات
 ۲. استخراج علوم و معارف دینی از متون ادعیه و مزار
 ۳. تربیت کارشناسان آشنا به علوم و مهارت‌های ادعیه در اسلام و سایر ادیان و آیین‌ها
 ۴. پرورش روح تحقیق و پژوهش در فراگیران نسبت به موضوعات مرتبط با ادعیه و مزار
 ۵. رفع نیازهای علمی ملیتی و منطقه‌ای دانشجویان
 ۶. تربیت عالمان خودساخته و مهذب و ایجاد زمینه تعالی اخلاقی و معنوی فراگیران
- همچنین برخی از عناوین دروسی که در این رشته مورد توجه قرار می‌گیرند عبارتند از:
- تاریخ دعا
فلسفه نیایش
دعا در متون اسلامی

۱. منظور از «دعا» در عنوان این رشته، ادعیه، مناجات‌ها و زیارات اسلامی است گرچه از فلسفه وجودی و مباحث مرتبط با دعاها و مناجات در سایر ادیان نیز بحث می‌شود.



دعا و قضا و قدر
شبهه شناسی مباحث ادعیه و مزار
توسل و زیارت
دعا در عهدین
دعا در ادیان توحیدی
دعا در آیین‌های شرقی
تحریف دعا و احکام آن
آداب و شرایط استجاب دعا
اصول قرائت دعا
تفسیر موضوعی ادعیه
تفسیر ادعیه قرآنی
کارکردهای دعا
آشنایی با منابع ادعیه
دعا و تعلیم و تربیت
دعا در منابع غرب
دعا و سیاست
نیایش در ادب فارسی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

دفع دخل مقدر؟!۱

معمولاً هنگام طرح موضوع ایجاد یک رشته آموزشی دو سوال به ذهن می‌رسد. اولین پرسش این است که ضرورت ایجاد رشته مورد نظر چیست؟ چون اشتباهی افزودن رشته‌های جدید باعث می‌شود که به تدریج موضوعات دست دوم و غیر ضروری که چندان به کار مخاطبان نمی‌آید جای موضوعات اساسی را بگیرد.

در خصوص اینکه پرداختن به دعا به مثابه پرداختن به یک موضوع دست دوم و غیرضروری هست یا خیر، خود اول نزاع است و این نوشتار در صدد رفع همین توهم



است و در ادامه از زوایای مختلف، اهمیت و ضرورت توجه به دعا به منزله یک علم و ایجاد رشته‌ها و شاخه‌های علمی مرتبط با آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما دومین پرسش که عمدتاً در برابر مسئولان و مجریان قرار می‌گیرد این است که قطع نظر از اهمیت رشته مورد نظر، اساساً تکثر و تنوع رشته‌ها موجب سردرگمی دانشجویان و مخاطبان شده و انتخاب رشته مورد نظر را برای آنها دشوار می‌سازد.

در پاسخ به این سوال باید به دو نکته توجه داشت:

اول اینکه رسالت هر مرکز علمی ایجاد توسعه در دو سطح «عرضی» و «طولی» علوم است. در توسعه طولی، تعمیق رشته‌هایی که با توجه به ظرفیت‌ها و ماموریت‌های هر مرکز ایجاد می‌گردد، در قالب تولید دانش و تالیف پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها و مقالات و افزایش فراگیران و ... مورد توجه قرار می‌گیرد. اما در توسعه عرضی، توجه به همه محورها و شاخه‌های مختلف علمی که در یک راستا قرار دارند ضرورت می‌یابد. بر این اساس در نهادی که ماموریتش پرداختن به علوم اسلامی و تربیت عالمان دینی باشد، تمام حوزه‌های علمی دینی را (البته به میزان ظرفیت و توان) باید مورد عنایت قرار دهد. در جامعه المصطفی نیز توسعه رشته‌ها و تولید علم در همه حوزه‌های معرفتی دینی از ماموریت‌های این نهاد علمی است و لذا به بهانه تکثر رشته‌ها و سردرگمی فراگیران، نمی‌توان برخی از حوزه‌های علوم دینی (مانند دعاشناسی) که محتاج پژوهش و تحقیق و تربیت نسل عالم است، مورد غفلت قرار گیرد.

و دوم اینکه، اساساً موضوع سردرگمی فراگیران در انتخاب رشته، عمدتاً در دوره کارشناسی اتفاق می‌افتد. اما در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری نه تنها این نگرانی وجود ندارد بلکه امر تکثر رشته‌ها در این مقاطع امری پسندیده و از شاخصه‌های توسعه و از افتخارات یک مرکز آموزشی است.

چرا «دعاشناسی»؟

اما در پاسخ به این پرسش اساسی که هدف از ایجاد رشته دعاشناسی چیست؟ در دو حوزه ایجاب و سلب می توان ضرورت پرداختن به موضوع «دعاشناسی» را اثبات کرد. در حوزه ایجابی، مزایا و ظرفیت‌های پرداختن به دعاشناسی و در حوزه سلبی، معایب و آسیب‌های غفلت از آن مورد تاکید قرار می‌گیرد.

۱. حوزه ایجابی: ظرفیت دوگانه «دعا»

۱-۱ ابعاد تربیتی دعا وجه مشترک همه ادیان و آیین‌ها

از یک نگاه، توجه به بُعد تربیتی دعا و بهره‌گیری از آن در رفع حوائج معنوی و مادی، امری است که تاکید فراوانی به آن در قرآن کریم و روایات اسلامی شده به گونه‌ای که حتی اولیاءالله نیز همواره در کارهای مهم خود دست به درگاه پروردگار بر می‌داشتند و با دعا و یاد او توان و نیرو می‌گرفتند، و با توکل بر ذات پاکش آرام می‌یافتند. نمونه‌های فراوانی از ادعیه و مناجات انبیای الهی علیهم السلام در قرآن کریم نقل شده است. به عنوان نمونه هنگامی که نوح در آن طوفان هولناک سوار بر کشتی شد، مأموریت پیدا کرد که رو به درگاه خدا آورد و برای نجات خود از او کمک بگیرد:

«فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلِكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، وَ قُلْ رَبِّ انزِلْنِي

مُنزَلًا مَبْرُكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ» «هنگامی که تو و همه کسانی که با تو هستند سوار کشتی شدید بگو ستایش برای خدایی است که ما را از قوم ستمگر رهایی بخشید، و بگو: پروردگارا! ما را در منزلگاهی پر برکت فرود آر، و تو بهترین فرود آورندگانی.»

در مورد سایر انبیای الهی نیز دعاها و درخواست‌های فراوانی از خداوند متعال در قرآن کریم نقل شده است و در بسیاری از موارد خود خداوند متعال از انبیای الهی می‌خواهد تا برای حل مشکلات و مسایل به درگاه خداوند دعا کنند.

در سایر ادیان ابراهیمی نیز چهره تربیتی دعا به صورت پررنگ مطرح است و پیامبران هم خود به درگاه خداوند دعا می‌کردند و هم این وسیله تقرب را به سایر



مردم می‌آموختند. چنان چه در انجیل لوقا آمده است:

«و هنگامی که او - مسیح - در موضعی دعا می‌کرد، چون فارغ شد، یکی از شاگردانش به وی گفت: خداوندا دعا کردن را به ما تعلیم نما، چنان چه یحیی شاگردان خود را بیاموخت»^۱

همچنین مسیح وقتی شاگردان خود را در خواب دید، «به ایشان گفت برای چه در خواب هستید، برخاسته دعا کنید تا در امتحان نیفتید»^۲ علاوه بر حضور دعا در ادیان مختلف، می‌توان گفت دعا در همه آیین‌ها و سنت‌های غیر دینی و حتی مشرکانه هم وجود دارد. چرا که انسان فطرتی خداجو و خداشناس دارد، و دعا بروز و ظهور همین فطرت است و چون خواندن خدا، و طلب از او در فطرت بشر به ودیعه نهاده شده است لذا هرگاه دست آدمی از همه اسباب طبیعی دنیا کوتاه شود و دست آویزی برای حل مشکلاتش نیابد، فطرت اصیل او، او را به سوی خدا می‌خواند و دعای او رنگ خلوص به خود می‌گیرد^۳ و این مهمترین نشانه فطری بودن دعاست. بنابراین در هر مکتب و آیینی که امری قدسی و ماورایی وجود داشته باشد و انسان‌ها آن موجود قدسی را گرداننده و مدبر عالم بدانند، دعا نیز قطعاً در آنجا وجود دارد. چنان که به بیان قرآن کریم، مشرکین نیز در برابر بتها و الهه‌های خود خاضعانه دعا می‌کردند و آنها را می‌خواندند و از آنها حل مشکلاتشان را می‌خواستند.^۴ توجه به این چهره دعا که یک امر معنوی مشترک در میان اکثر قریب به اتفاق انسان‌های جهان است، فرصت مناسبی در اختیار قرار می‌دهد تا با بهره‌گیری از آن، زمینه توسعه روابط میان ادیان و آیین‌ها فراهم و در لوای آن آموزه‌ها و معارف ناب و بی‌همتای متون دعایی اسلام به سایر انسانها انتقال یابد.

۱-۲- گسترده‌گی معارف و مضامین ادعیه و مزار

اما در نگاهی دیگر، بخشی از معارف قرآن کریم در قالب دعا به ما منتقل شده

۱. انجیل لوقا، باب یازدهم، بند ۱

۲. همان، باب بیست و دوم، بند ۴۶، و انجیل متی، باب بیست و ششم، بند ۴۴

۳. رک: به آیات ۶۵ سوره عنکبوت و ۸ سوره زمر، و ۳۲ سوره لقمان، که در این آیات هم اشاره به دعای انسان در مواقع خطر مثل سفر دریایی شده و هم خداوند دعای او را خالص توصیف نموده است.

۴. رک آیات: ۱۹۴ و ۱۹۷ سوره اعراف، ۷۳ سوره حج، ۱۳ و ۱۴ فاطر و... که در همه آنها اشاره شده که کفار و مشرکین دعا می‌کردند ولی حاجت خود را از غیر خدا می‌خواستند (ماتدعون من دون الله)



و نیز بخش عظیمی از معارف و آموزه‌های پایه و بنیادین دین مبین اسلام و نیز حجم وسیعی از مسایل مربوط به آداب و فروع اخلاقی و معرفتی، محفوف و مستور در لابه لای مضامین ارزشمند دعاها ماثور است. حتی به گونه‌ای که اگر به وجود «بطون» و لایه‌های معنایی درونی برای کلمات معصومین علیهم‌السلام قایل نباشیم (آنگونه که در قرآن کریم همه علمای شیعه و برخی از علمای اهل سنت قایل هستند^۱)؛ در ظهور ظواهر این کلمات مقدس و نورانی بر تبیین و تفسیر دین و کتاب مبین قرآن کریم تردیدی نیست. حتی به جرأت می‌توان گفت در مجموعه ادعیه ماثور که خود بخشی از احادیث‌اند، همانند قرآن کریم «عناوینی»^۲ از علوم بشری نهفته است.

به عنوان مثال در دعای «صبح» که از امام علی علیه‌السلام نقل شده و نیز در دعای «عرفه» که از امام حسین علیه‌السلام به ما رسیده است؛ یک دوره دروس خدانشناسی با تمام جزئیاتش در سطح عالی بیان شده است. همچنین در دعای «مکارم الاخلاق» که از امام سجاد علیه‌السلام نقل شده، یک دوره درس اخلاق و صفات برجسته فردی و اجتماعی که در پرتو آن می‌توان طرح زندگی صحیحی برای فرد و جامعه ریخت، بیان گردیده است. در «صحیفه سجادیه» دعاها یکی دربارۀ مرزداران شجاع وجود دارد که ضمن درخواست پیروزی آنها از خدا، بسیاری از عوامل پیروزی و شکست در برابر دشمن به زبان دعا در آن آمده است.^۳

در دعای کوتاهی که در «صحیفه سجادیه» دربارۀ رؤیت هلال آمده، چنین می‌خوانیم:

«أَيُّهَا الْخَلْقُ الطَّيِّبُ! الدَّائِبُ السَّرِيعُ، الْمُرَدَّدُ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ، الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكِ التَّوْبِيرِ، أَمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلْمَ وَأَوْضَحَ بِكَ الْبُهْمَ وَجَعَلَكَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ وَعَلَامَةً مِنْ عَلَامَاتِ سُلْطَانِهِ...».

۱. رک. فتح الله نجارزادگان، «بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن در دیدگاه فریقین»، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۸، صص ۶۳ تا ۸۸

۲. «عنوان» اصطلاحی است در علوم قرآنی و به این معناست که در سخن، الفاظی ذکر شود که کلیدها و مدخل‌هایی برای علمی باشد. مانند «انظفوا الی ظل ذی ثلاث شعب» که عنوان علم هندسه در آن است. (جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه سید مهدی حایری قزوینی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶، صص ۵-۲۹۴)

۳. «... ومنه نوع عظیم جدا وهو عنوان العلوم بأن يذكر في الكلام ألفاظا تكون مفاتيح لعلوم ومداخل لها ... قوله تعالى «انظفوا إلى ظل ذی ثلاث شعب...» الآية فيها عنوان علم الهندسة فإن الشكل المثلث أول الأشكال وإذا نصب في الشمس على أي ضلع من أضلاعه لا يكون له ظل لتحديد رؤوس زواياه فأمر الله تعالى أهل جهنم بالإنطلاق إلى ظل هذا الشكل فهما بهم وقوله وكذلك نرى إبراهيم ملكوت السموات والأرض... الآيات فيها عنوان علم الكلام وعلم الجدل وعلم الهیة»

۳. ناصر مکارم شیرازی، پیدایش مذاهب، ص: ۱۰۳

در این عبارت ضمن اشاره به حرکت سریع ماه که امروزه می‌گویند بالغ بر ۳۷۰۰ کیلومتر در هر ساعت است و اطاعت او از قوانین جهان هستی (قانون جاذبه و دافعه و ...) و حرکت آن در مدار حساب شده و معین، و روشنی بخش در شبهای تیره، درسهای خداشناسی که از آن می‌توان گرفت، تشریح شده است.^۱

و یا در دعای «جوشن کبیر» که خدا را با هزار نام در آن صدا می‌زنیم و هر ده نام در واقع فصلی را تشکیل می‌دهد، می‌خوانیم:

«يَا مَنْ فِي السَّمَاءِ عَظَمَتْهُ، يَا مَنْ فِي الْأَرْضِ آيَاتُهُ، يَا مَنْ فِي كُلِّ شَيْءٍ دَلَائِلُهُ، يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ، يَا مَنْ فِي الْجِبَالِ خَزَائِنُهُ، يَا مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ، يَا مَنْ إِلَيْهِ يَرْجِعُ الْأُمُورُ كُلُّهَا، يَا مَنْ أَظْهَرَ فِي كُلِّ شَيْءٍ لُطْفَهُ، يَا مَنْ أَحْسَنَ كُلِّ شَيْءٍ خَلْقَهُ، يَا مَنْ تَصَرَّفَ فِي الْخَلَائِقِ قُدْرَتُهُ».

در جمله اول، به عظمت آسمانها، در جمله دوم، به موجودات اسرارآمیز کره زمین، در جمله سوم به نشانه‌های توحید در همه چیز، در جمله چهارم به عجایب و شگفتیهای زندگی در اعماق اقیانوسها، در جمله پنجم به معادن گرانبهای نهفته در دل کوهها، در جمله ششم و هفتم به آغاز و انجام آفرینش و شباهت آنها به هم، در جمله هشتم به ریزه‌کاریهایی که در همه موجودات جهان (به خصوص اتمها) وجود دارد، در جمله نهم به زیباییهای آفرینش و در جمله دهم به قوانینی که با کمال قدرت بر سراسر عالم هستی حکومت می‌کند، اشاره شده است.^۲

عمق معرفتی محتوای برخی از ادعیه و مزار به حدی است که حضرت امام خمینی(ره) معتقد است:

«اگر نبود در ادعیه‌ی الا دعای مناجات شعبانیه، کافی بود برای اینکه امامان ما، امامان بحقند... تمام این مسائلی که عرفا در طول کتاب‌های طولانی خودشان یا خودشان می‌گویند در چند کلمه مناجات شعبانیه هست، بلکه عرفای اسلام از همین ادعیه و از همین دعاهایی که در اسلام وارد شده است از اینها استفاده کرده‌اند»^۳

با توجه به این دو نوع نگاه به موضوع دعا (و البته بعد بین المللی دعا)، به نظر می‌رسد سهم دعا در گستره علوم اسلامی و منابع و متون دینی بسیار ناچیز است و

۱. همان، ص: ۱۰۴

۲. همان

۳. صحیفه امام، ج ۱۳، صص: ۳۲-۳۱

به نسبت نیازهای جوامع علمی و پژوهشی برای پاسخ به بسیاری از مسایل و مشکلات به ویژه در حوزه مباحث میان‌رشته‌ای، کارهای علمی فاخر و گسترده‌ای در حوزه دعا انجام نشده است. دلیل این مدعا این است که تاکنون موضوع دعا نه به مثابه یک شاخه یا رشته علمی و آموزشی مورد توجه قرار گرفته و نه همانگونه که سابقاً اشاره شد منابع و متون قابل ملاحظه‌ای در این باب تدوین و تالیف شده است. از همین رو ضروری است تا بعد از قرن‌ها از تابش نور اسلام، بازخوانی مجددی از نصوص دینی صورت گیرد تا همه آموزه‌ها و معارف مستور در ادعیه و مناجات و مزار استخراج و منتشر گردد. در این راستا موضوعات زیر می‌تواند برای پژوهش مورد توجه قرار گیرد:

۱. مطالعات میان رشته‌ای

۲. شرح و تفسیر ادعیه و مزار

۳. تصحیح نسخ ادعیه و مزار

۴. پیرایش ادعیه ماثوره از کلمات غیر معصومین

۵. شبهه‌شناسی مباحث مرتبط با دعا

۶. شبهه‌شناسی زیارات

۲. حوزه سلبی: آسیبهای غفلت از «دعاشناسی»

۱-۲ خرافه‌گرایی و عرفان‌های نوظهور، سرقت ادعیه در بررسی آسیب‌هایی که به مجموعه نصوص دینی اعم از قرآن کریم، احادیث، ادعیه و مزار، وارد شده است؛ در قرآن کریم بیشتر با پدیده «تحریف» (البته فقط از نوع معنوی) مواجه هستیم^۱ که دلالت بسیاری از آیات و فهم آنها را مورد تردید قرار داده است. در حدیث بیشترین آسیب از ناحیه «جعل و وضع» وارد شده و صحت صدور بسیاری از روایات وارده را مورد خدشه قرار داده و البته همین موضوع در عدم وضوح و نارسایی دلالت و فهم آیات قرآن هم تاثیر فراوانی داشته است. و اما در دعا علاوه بر احتمال وجود تحریف لفظی و معنوی ادعیه و نیز

۱. کما اینکه در فقره پایانی خطبه هفدهم نهج البلاغه از وقوع تحریف معنوی قرآن کریم خبر داده شده است. نهج البلاغه، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۲۸، خطبه ۱۷، ص ۱۰



جعل و وضع دعا به نام ائمه علیهم‌السلام، با یک پدیده مخرب دیگر نیز مواجه هستیم که رفع آن خود باب ضرورت «دعاشناسی» را مفتوح نگه می‌دارد. این پدیده عبارت است از:

خرافه‌گرایی در باب دعا و زیارات و شکل‌گیری معنویت‌های کاذب وقتی در مواجهه جوامع اسلامی و غرب، سیل شبیخون و شبهات غرب در مورد اسلام و اصل دین سرازیر شد تا زمینه‌های فکری این جوامع برای پذیرش استعمار فراهم گردد؛ برای جایگزین‌سازی معنویت‌ها و عرفان‌های ویران شده، نسخه‌های بدیلی در قالب معنویت‌های جدید و عرفان‌های نوظهور در این حوزه عرضه شده و می‌شود؛ طبیعی است که برای بومی‌سازی این جریان باید از دل مفاهیم و آموزه‌های مبهم یا پرداخته نشده همان ملیت‌ها و مذاهب مانند موضوع دعا بهره گرفت. بر این اساس، معنویت‌گرایی جدیدی مبتنی بر آموزه‌های دینی شکل می‌گیرد که در مسیر مخالف جریان اصیل عرفانی و معنویت‌گرایی اسلامی حرکت می‌کند. در کنار این جریان، کشش درونی عوام و خواص از مردم به قدرت‌های ناشناخته و استقبال روزافزون آنان به معنویت و امور ماورایی و کمبود دانش عمیق و بینش دقیق در این عرصه موجب پیدایش خرافات و اوهام در پیکره اصلی دین شده به گونه‌ای که پیرایش و جداسازی این زواید از پیکره دین، محتاج زمانی بس طولانی است. حاجت‌خواهی مردم از درخت و دیوار و سایر اشیای متقدس در ایران و سایر کشورها نتیجه این جریان است.

۲-۲ استضعاف عوام

برخی از کارکردهای شناخته شده دعا مانند نقش دعا و اذکار و اوراد در ایجاد ارتباط دائمی با خدا، اینکه دعا افضل عبادات است؟ نقش دعا در رهاسازی از مشکلات روان‌شناختی و نیز تاثیر دعا در رفع حواجی و دفع بلاها و امراض و

۱. دعا از نگاه الحادیون نیز نقش تخیلی و فراقکنانه دارد و این را به عنوان یکی از شبهات جدی در موضوع دعا مطرح می‌کنند.
۲. طبق روایاتی از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در عدة الداعی و نجاح الساعی، ابن فهد حلی، دارالمرتضی، بیروت، ۱۴۰۷، صص ۳۹-۴۱.

مشاكل خانوادگی و مالی^۱ و ... زمینه سوء استفاده برخی افراد را در بهره‌گیری از این کارکردها و ظرفیت‌های دعا فراهم کرده است.^۲

در این بین افراد سوء استفاده کننده با شناخت روحی و روانی مخاطبان خود ضمن طرح ادعاهایی مانند ادعای شفای مریضان، ادعای مکاشفه، ادعای اطلاع از امور غیبی، ادعای ارتباط با ارواح و ملائکه و جن، همچنین ارایه اوراد و اذکار نامفهوم و بعضاً جعلی و بی‌معنا، تعبیر خواب و ارایه استخاره و فال‌های مشتری‌پسند؛ ضمن اغفال بسیاری از افراد به صورت آگاهانه و بعضاً ناآگاهانه یک آسیب جدی در حوزه اجتماع را دامن می‌زنند و آن «استضعاف عوام^۳» و پدیده «مرید پروری» است. پدیده استضعاف موجب تخریب بنیان‌های ذهنی عوام و انحراف عقاید آنان و پذیرفتن مرجعیت و رهبری فکری استضعاف کننده توسط مردم و در نتیجه دوری از علما و روحانیت و جریان اصلی دین می‌شود.

در دوران معاصر نمونه‌های فراوانی از فریب‌خوردگان و مریدان حتی در میان دانشجویان و اهل علم قابل مشاهده است.^۴

البته پدیده مخرب دیگری که در ادامه جریان استضعاف عوام اتفاق می‌افتد، این است که رهبران برخی فرقه‌ها و گونه‌های معنویت‌گرا با دست‌یابی به متون ادعیه

۱. همان، ص ۴۰

۲. البته عمده سوء استفاده‌ها از آخرین نقش دعا یعنی تاثیر دعا در رفع حویج و دفع بلايا و امراض و مشاكل خانوادگی و مالی اتفاق می‌افتد.

۳. اصطلاح استضعاف بر گرفته از این آیه قرآن کریم است «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أُمَّلَهَا شَيْعًا يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» القصص (۲۸) آیه ۴ که در آن اشاره به ایجاد ذلت فکری و انحراف عقیدتی بنی اسرائیل و سایر مردم توسط فراعنه شده است. فراعنه از طریق استضعاف فکری مردم، آنان را مطیع و رام خود ساخته و زمینه‌های حکومت برآنان را فراهم می‌کردند. همچنین آیه شریفه «فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (الزخرف/۴۳) آیه ۵۴ به وضوح بر این مطلب دلالت دارد.

۴. به گزارشی که یکی از مدیران جامعه المصطفی (ع) در یکی از کشورهای آفریقایی ارایه کرده است توجه فرمایید: اخیراً در شهر لولیندو یکی از شهرهای دور افتاده در کشور تانزانیا یک روحانی مسیحی به اتفاق دستیار خود ادعا کرده که از طریق آب مخصوصی که در اختیار دارد همه نوع بیماری را درمان می‌کند. این ادعا باعث شد تا مردم شهرهای مختلف تانزانیا و حتی کشورهای اطراف برای مداوا به این شخص مراجعه نمایند. دولت نیز در مقابل این همه استقبال مردم، راه‌های منتهی به این شهر دورافتاده را ترمیم و امکانات لازم برای مردم در طول مسیر فراهم کرد. البته بعدها مشخص شد آن آب شفا دهند برگرفته از ریشه درختان خاصی است که در حوالی آن شهر می‌رویند و خاصیت درمان بعضی از بیماری‌ها را دارد. (برگرفته از گزارش آقای شاهدی - نماینده جامعه المصطفی در کشور تانزانیا - ۱۳۸۹)

البته مشابه این داستان در ایران در سال‌های اخیر زیاد اتفاق افتاده و برخی از آنها در گزارش‌های مستند از طریق صدا و سیما پخش شده است. ولی عموماً در اینگونه موارد به علت روشنگری‌های علما و روحانیت از تعمیق انحرافات فکری مردم و افتادن در دام سودجویان جلوگیری می‌شود.



مأثور شیعی و اطلاع یافتن از عمق معنایی و آموزندگی آن، برخی از آن ادعیه و اذکار را به نام خود در میان مریدان ترویج می‌کنند تا مرجعیت معنوی خود را در میان عوام تثبیت کنند.

این اتفاق‌ها در حالی می‌افتد که جوامع علمی دینی و حوزوی تاکنون در تبیین و تنقیح مسایل مرتبط با دعا و مناجات اهتمام لازم را نداشته‌اند و از همین‌رو دست مبلغین و نهادهای دینی در توجیه افکار عمومی و جلوگیری از تخریب ذهنی آنان کوتاه است.

۲-۳ گسست جامعه از نهاد دین و ترویج اباحی‌گری

تردید نیست که در گسترش عرفان‌های نوظهور و توسعه مقوله دعانویسی و ایجاد تجربه‌های معنوی انحرافی، نقش روحانیت و علما و مراجع تضعیف می‌شود. علت پیدایش این شکاف میان مردم و علما و روحانیت این است که افراد سودجو برای دستیابی بهتر و آسان‌تر به مطامع خود ناگزیر باید مخاطبان خود را از تاثیر علما و روحانیت در ایجاد آرامش روانی و حل مشکلات جامعه مایوس نمایند. از همین‌رو به صورت تدریجی باور عوام نسبت به حاملان و مبلغان اصلی دین دگرگون می‌شود و به جای مراجعه به علما در امور دینی و معنوی، مرید مدعیان علم و معنویت می‌شوند. ادامه همین جریان، به تدریج تضعیف پایه‌های شریعت و آموزه‌های دین در نگاه عوام اتفاق می‌افتد و آنها را نسبت به کارکرد دین بی‌اعتماد ساخته و نوعی اباحی‌گری در جامعه شکل می‌گیرد.

از طرف دیگر، آشنا نبودن مردم از نقش دعا و بدبینی نسبت به آن در هنگام عدم استجابات که معلول عدم عرضه مبانی و مسلمات دینی و اقتناع جامعه و اطلاع‌رسانی و توسعه‌بخشی فهم مردم به امور معنوی است؛ خود زمینه دوری از علما و افتادن در دام مدعیان را ایجاد می‌کند. به همین دلیل لازم است نهادهای متصدی آموزش‌های دینی به‌ویژه حوزه علمیه قم و جامعه‌المصطفی با آشناسازی طلاب و فضالای ایرانی و غیر ایرانی با مسایل شکلی و محتوایی دعا ضمن بهره‌گیری از کارکرد آن در ترویج

معارف اهل بیت علیهم السلام و تسهیل فرایند تربیت و تهذیب مخاطبان، زمینه پاسخ‌گویی به اشکالات و شبهات مرتبط با حوزه دعا را فراهم نمایند.

دعاشناسی، گام‌های عملی در جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم

برای تثبیت مقوله دعاشناسی در المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و آغاز و ادامه نهضت توجه به دعا، سه گام مترتب و متوالی باید طی شود:

گام اول: فرهنگ‌سازی

در این مرحله باید فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی در حوزه‌های مرتبط با ادعیه و مزار را توسعه داد مانند:

- درج مسایل مرتبط با دعاشناسی در رشته‌های المپیاد بین‌المللی قرآن و حدیث و سایر مسابقات و جشنواره‌های فرهنگی تربیتی
- برگزاری محافل و همایش‌های مرتبط با ادعیه و مزار
- چاپ و انتشار بروشور و جزوات اطلاع‌رسانی
- حمایت از فعالیت‌های فرهنگی ترویجی در حوزه دعا مانند تولید نرم‌افزار و فیلم و ...

گام دوم: تثبیت

در این مرحله عمدتاً باید توسعه فعالیت‌های پژوهشی زیر را در حوزه دعاشناسی مورد توجه قرار داد:

- برگزاری نشست‌ها و همایش‌های علمی در موضوعات مرتبط با دعا و سهیم کردن دعا در جشنواره‌های پژوهشی
- حمایت از تدوین و انتخاب پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها با موضوعات مرتبط با دعا
- حمایت از تدوین مقالات و انجام طرح‌های پژوهشی در حوزه ادعیه و مزار
- تدوین و حمایت از تدوین منابع مرتبط با دعا و نیز تدوین کتب آموزشی و کمک آموزشی



• ایجاد نهضت ترجمه متون اصیل ادعیه و زیارات به زبان‌های مختلف

گام سوم: توسعه

در آخرین مرحله از سیر توجه به دعا، اگر دو فعالیت مهم و تاثیرگذار زیر مورد عنایت قرار گیرد، چشم انداز روشنی از موضوع دعا در جامعه المصطفی تصویر می‌شود:

• درج دو واحد درسی تحت عنوان «دعاشناسی» در همه رشته‌های دوره

کارشناسی با طرح مباحث کلی و ضروری باب دعا و زیارات

• ایجاد رشته و شاخه تخصصی «دعاشناسی» در مقاطع کارشناسی ارشد و

دکتری

نکته پایانی:

دعا و زیارت در کنار قرآن و حدیث، یکی از زوایای معرفت بخش دین مبین اسلام است ولی علی‌رغم اینکه همواره در تعالی روحی و معنوی مورد بهره‌رسانی و سایر اقشار جوامع اسلامی بوده اما متأسفانه در طول قرون متمادی از عصر رسالت تاکنون به مثابه یک علم ضروری مورد توجه علما و حوزه نبوده است. این در حالیست که:

• وجود مباحث فراوان میان‌رشته‌ای در موضوعات دعایی و ظرفیت بالای آن برای

ایجاد یک رشته مستقل علمی

• مستور ماندن بخش زیادی از معالم و معارف دین اسلام در متون مرتبط با

ادعیه و مزار

• وجود و پیدایش بدعت‌ها، انحرافات و خرافات در میان جوامع اسلامی در اثر

ضعف شناخت از مسائل بنیادین حوزه مباحث و مطالعات ادعیه

• نیاز طلاب و دانش‌پژوهان مناطق مختلف دنیا به این علم برای دفع شبهات

• پیدایش سلوک‌های تصنعی و اغفال‌گرانه در بسیاری از کشورهای اسلامی و

غیراسلامی

• پدیده سرقت در ادعیه و مناجات‌های اسلامی

وجود این علم را در میان رشته‌ها و شاخه‌های درسی حوزه ضروری ساخته است و هر چه در پرداختن به این علم و توسعه ساز و برگ‌های آن تعلق شود، علاوه بر مخفی و مکتوم ماندن بسیاری از معارف اسلامی، زمینه طرح شبهات و ایجاد بدعت‌ها و انحرافات از طریق دعا و مسایل مرتبط با آن روز به روز گسترش می‌یابد.

فهرست منابع :

- * قرآن کریم.
- * نهج البلاغه، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۲۸
۱. انجیل لوقا، باب یازدهم.
 ۲. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۷۸
 ۳. قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه (چاپ چهاردهم)، قم، ۱۳۸۴
 ۴. راغب الاصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، منشورات طلیعة النور (چاپ دوم)، قم، ۱۴۲۷
 ۵. محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، شرکت چاپ و انتشارات اسوه، تهران، ۱۳۷۵
 ۶. موسوی همدانی، سیدمحمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش
 ۷. معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۷
 ۸. نجارزادگان، فتح الله، بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن در دیدگاه فریقین، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۸
 ۹. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه سید مهدی حایری قزوینی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶
 ۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، پیدایش مذاهب،
 ۱۱. ابن فهد حلی، احمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، بیروت، دارالمرتضی، ۱۴۰۷